

# ارزیابی ترجیحات افراد در خصوص گزینه‌های مختلف سیاستگذاری در حوزه خدمت وظیفه عمومی

سیدمحمدحسین فاطمی، \*محسن مهرآرا\*\* و علی طیب‌نیا\*\*\*

نوع مقاله: علمی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱	شماره صفحه: ۳۱-۵
-----------------	--------------------------	-------------------------	------------------

در این مقاله تلاش شده است تا ترجیحات افراد در خصوص سیاستگذاری در حوزه خدمت وظیفه عمومی مورد ارزیابی قرار گرفته و به این وسیله تأثیرات اجرای هر یک از سیاست‌های مورد نظر (با تمرکز بر سیاست فروش سربازی) تا حدودی تبیین شود. از آنجاکه یکی از دغدغه‌هایی که همواره در خصوص فروش سربازی مطرح می‌شود، ایجاد نارضایتی در افراد کم‌درآمد است؛ تحلیل انتخاب افراد در گروه‌های مختلف درآمدی و با دیدگاه‌های متفاوت موضوع اصلی این تحقیق را تشکیل داده است. در این راستا ترجیحات افراد در خصوص فروش سربازی در دو حالت (فروش معمول و فروش به نحوی که به افزایش قابل توجه حقوق سربازان منجر شود) مورد ارزیابی قرار گرفته است (اجرای طرح پرسشنامه نشان داد حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان فروش به نحوی که به افزایش قابل توجه حقوق سربازان منجر شود را نسبت به ادامه وضعیت فعلی و فروش به شیوه معمول ترجیح داده‌اند). نتایج مدل لاجیت چند جمله‌ای که بر پایه ۴۴۰ پرسشنامه برآورد شده حاکی از آن است که اولاً درآمد افراد، تأثیر سیستماتیک‌تری روی ترجیح آنها در زمینه سیاست فروش سربازی نمی‌گذارد؛ ثانیاً سن، رابطه مستقیمی با ترجیحات افراد در زمینه سربازی دارد. به این ترتیب که افزایش سن رابطه مثبتی با احتمال ترجیح دادن ادامه وضعیت کنونی و رابطه منفی با احتمال ترجیح دادن سیاست فروش سربازی دارد؛ ثالثاً حساسیت بیشتر نسبت به تبعیض و نابرابری، تأثیر منفی بر احتمال انتخاب گزینه‌های مربوط به فروش سربازی دارد. در نهایت خروجی مدل این نتیجه قابل پیش‌بینی را تأیید می‌کند که افرادی که در حال گذراندن سربازی هستند یا سربازی را پشت سر گذاشته‌اند تمایل کمتری به گزینه فروش سربازی دارند.

**کلیدواژه‌ها:** خدمت وظیفه عمومی؛ سربازی؛ ترجیحات؛ لاجیت چند جمله‌ای

\* معاون دفتر مطالعات بخش عمومی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

Email: mh.fatemi@ut.ac.ir

\*\* استاد گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: mmehrara@ut.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران؛

Email: taiebni@ut.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصد و دهم، تابستان ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4538.4440

## مقدمه

خدمت وظیفه عمومی بخش مهمی از زندگی جوانان ذکور در بسیاری از کشورهاست که تأثیرات قابل توجه اقتصادی و اجتماعی بر آن مترتب است. همان طور که فیز و سیدوز<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) می‌گویند در سال‌های اخیر نشانه‌هایی از اقبال مجدد به موضوع سربازی در میان برخی کشورها مشاهده می‌شود. برای مثال لیتوانی و اوکراین در سال ۲۰۱۵ مجدداً سربازی را احیا کردند و در فرانسه نیز امانوئل مکرون (رئیس‌جمهور فعلی) احیای فرم جدیدی از سربازی اجباری را به عنوان یکی از وعده‌های انتخاباتی خود مطرح کرد.<sup>۲</sup> از سوی دیگر کلا، پوتواوا و واگنر<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) عنوان می‌کنند که دلیل ماهیت خدمت وظیفه عمومی که بخش زیادی از جامعه (تمام اتباع ذکور یک کشور که توانایی انجام خدمت دارند) را برای مدت طولانی درگیر خود می‌کند (حدود یک سال و نیم تا دو سال، کمی بیشتر یا کمتر)، این پدیده حتماً دارای تأثیرات اقتصادی قابل توجه بر رفتار افراد خواهد بود. به همین دلیل این موضوع مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است.

پایه‌گذاری خدمت وظیفه عمومی در ایران به دوره پهلوی اول بازمی‌گردد به طوری که اولین بار قانون خدمت وظیفه اجباری در سال ۱۳۰۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. پس از انقلاب اسلامی، قانون خدمت وظیفه عمومی در سال ۱۳۶۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در سال ۱۳۹۰ نیز برخی از مواد آن اصلاح شد. زمانیان (۱۳۹۵) بیان می‌کند اهداف دوره وظیفه عمومی را بر اساس قانون می‌توان در دو مورد خلاصه کرد: ۱. تأمین نیروهای لازم به منظور تأمین امنیت کشور و ۲. ارائه آموزش‌های نظامی به آحاد جامعه. این به آن معناست که قانونگذار در پی آن بوده که علاوه بر ارائه حداقلی از آموزش‌های نظامی به تمام اقشار (ذکور) جامعه برای مقابله با تهدیدات احتمالی، تأمین امنیت کشور و حفاظت از مرزها را با هزینه کمتر و به وسیله سربازگیری اجباری اجرا کند. به عبارت دیگر یکی از اهداف قانونگذار این بوده که کالای عمومی امنیت با هزینه پایین تأمین شود.

1. Fize and Sidois

۲. «وضع مجدد خدمت اجباری قطعاً ضروری است، نه فقط به منظور آموزش شهروندان برای برخورد با تهدیدها، بلکه برای تقویت اتحاد ملی» (امانوئل مکرون، ۲۰۱۷).

3. Keller, Poutvaara and Wagener

در دهه‌های اخیر مباحث اجتماعی پیرامون سربازی در ایران همواره مورد توجه بوده است. از یک سو جوانان گاهی سربازی را به عنوان مانعی در برابر ورود سریع به بازار کار و ازدواج می‌دانند و از سوی دیگر نیاز به نیرو در تعداد بالا و قیمت پایین برای حفاظت از مرزها و مقابله با تهدیدات، از جمله استدلال‌هایی است که در حمایت از وضعیت کنونی مطرح می‌شود. در این میان تنها اتفاقی که در دهه‌های اخیر در این باره روی داده است، فراهم شدن امکان به اصطلاح عامیانه «خرید سربازی» یا شکل جدیدتر آن «جریمه غیبت مشمولان» بوده است. اولین بار در دهه ۷۰، امکان خرید سربازی برای مشمولان (برخورداری از معافیت در قبال پرداخت پول) در مقطعی سه‌ساله فراهم شد. پس از آن در دهه ۹۰ نیز مجدداً این امکان به وجود آمد با این تفاوت که در مرحله جدید، تنها مشمولینی که هشت سال یا بیشتر غیبت داشتند، در ازای پرداخت «جریمه غیبت» از انجام خدمت وظیفه معاف شدند. این مرحله از خرید سربازی نیز برای چند سال محدود ادامه پیدا کرد و سپس پرونده آن بسته شد. این در حالی است که در هر دو دوره فروش سربازی، مباحث اجتماعی قابل توجهی پیرامون این نحوه سیاستگذاری از لحاظ ایجاد تبعیض مطرح شد. عمده این مباحث حول دو موضوع مشخص قرار داشت؛ بحث اول؛ ایجاد احساس تبعیض و شکاف طبقاتی در افراد بود؛ زیرا ممکن است افرادی وجود داشته باشند که به‌رغم تمایل برای خرید سربازی، از تمکن مالی کافی برای این کار برخوردار نباشند. مبحث دوم، خدمت وظیفه عمومی را یک تعهد ملی دانسته و طراحی چنین سیاست‌هایی را موجب تضعیف این تعهد و کاهش حس وطن‌پرستی در میان افراد قلمداد می‌کند.<sup>۱</sup> البته در مقابل نیز

---

۱. اشاره به چند نمونه از طرح دو دیدگاه مذکور در رسانه‌ها مفید خواهد بود؛ به عنوان مثال خبری با عنوان «تب خرید سربازی و واکنش‌ها به فروش سربازی در لایحه ۹۵؛ از درآمدزایی تا شکاف طبقاتی» در پایگاه باشگاه خبرنگاران جوان در چهارم بهمن‌ماه ۱۳۹۴ منتشر شد که در برخی از فرازهای مطلب آمده است: کامران صداقت، جامعه‌شناس، معتقد است «تشدید شکاف طبقاتی، کاهش شور میهن‌پرستی و قانون‌گریزی از پیامدهای مخرب و منفی طرح مذکور است». صادق بهارلو جامعه‌شناس و آسیب‌شناس اجتماعی: «از سوی دیگر تکلیف افرادی که از تمکن مالی لازم برای خرید خدمت سربازی برخوردار نیستند چه می‌شود، در چنین شرایطی نارضایتی و سرخوردگی عمیقی در جوانانی که توان مالی مطلوبی ندارند ایجاد خواهد شد و می‌تواند روند فروش خدمت سربازی به‌طور کلی متوقف شود». رضا محبی، یکی از ساکنان شهر کرج نیز می‌گوید: «در حال حاضر با وجود داشتن ۱۰ سال غیبت، از تمکن مالی کافی نیز برای خرید و پرداخت جریمه برخوردار نیستیم؛ بسیاری از افرادی که از بنیه مالی مطلوبی برخوردارند به راحتی با پرداخت

استدلال‌هایی در حمایت از طرح فروش سربازی مطرح شده است، به عنوان مثال فروش سربازی می‌تواند موجب ارتقای وضعیت کیفی دوره سربازی برای سربازان شود.

در این پژوهش گزینه‌های مختلف سیاست‌گذاری در زمینه خدمت وظیفه عمومی (به خصوص سیاست فروش سربازی) از منظر ویژگی‌های افراد انتخاب‌کننده (به ویژه درآمد و دیدگاه افراد در خصوص برابری و تبعیض) ارزیابی خواهد شد و به این وسیله تلاش می‌شود تا تأثیرات اجتماعی اجرای هر یک از سیاست‌های مورد نظر تا حدودی تبیین شود. به عبارت دیگر در این تحقیق به دنبال پاسخ به سؤالات ذیل هستیم:

چه رابطه‌ای میان ویژگی‌های عمومی افراد (مانند سن، تأهل، سطح تحصیلات و...) با ترجیحات آنها در خصوص سیاست بهینه سربازی وجود دارد؟

آیا درآمد افراد تأثیری بر ترجیحات آنها در خصوص سیاست بهینه سربازی دارد؟  
 ترجیحات افراد در طبقات درآمدی متفاوت، نسبت به سیاست فروش سربازی چگونه است؟  
 آیا افرادی که به برابری و تبعیض اهمیت بیشتری می‌دهند، سیاست فروش سربازی را قابل پذیرش می‌دانند؟

این مقاله در چهار قسمت تنظیم شده است. ابتدا به مرور مبانی نظری می‌پردازیم و سپس به روش‌شناسی و بیان نتایج مدل و در نهایت به نتیجه‌گیری پرداخته‌ایم.

## ۱. مبانی نظری

مطالعه پدیده خدمت وظیفه عمومی توسط اقتصاددانان اولین بار در آمریکا آغاز شد.

---

جریمه‌های میلیونی معاف می‌شوند و از نظر بنده این تبعیض است؛ زیرا در این شرایط پول و قدرت مالی افراد است که تعیین‌کننده می‌شود و هر کس که توان خرید ندارد محکوم به رفتن خواهد بود.»  
 بررسی دیدگاه‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خلال بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور نیز دربردارنده دیدگاه‌های مشابهی است که به دو نمونه اشاره می‌کنیم. مهرداد بانوج لاهوتی: «اینکه گفته می‌شود بخش عظیمی از کسانی که غیبت سربازی دارند از قشر محروم هستند پس افراد محروم نمی‌توانند پنجاه میلیون پرداخت کنند بنابراین باز این پولدارها هستند که خدمت سربازی را خواهند خرید. بایی که مجلس باز می‌کند پولدارها دیگر به دنبال خدمت سربازی نخواهند رفت و این اجحاف و بی‌عدالتی است.» حمید رسایی: «این موضوع تبعیض است. موضوعی که می‌خواهیم تصویب کنیم برخلاف عدالت است و کسانی که سرباز هستند می‌توانند با پرداخت پول معافیت بگیرند» (باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۰ اسفند ۱۳۹۳).

همان‌گونه که وارنر و اش<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) می‌گویند خدمت وظیفه عمومی از زمان آغاز جنگ جهانی اول، یک جزء جدایی‌ناپذیر در زندگی تمام جوانان ذکور در آمریکا بود ولی تا قبل از دهه ۱۹۶۰ بحث خاصی پیرامون آن شکل نگرفته و به تبع آن اقتصاددانان هم توجهی به این پدیده نکرده بودند. اما آنچه که باعث توجه به این پدیده و شکل‌گیری گفتمان عمومی درباره آن شد، تشدید جنگ ویتنام بود. فیشر<sup>۲</sup> (۱۹۶۹) می‌گوید حجم بسیار زیاد سربازگیری در جریان جنگ ویتنام موجب شد تا توجه قوه مجریه، کنگره و رسانه‌های جمعی به این پدیده جلب و زمزمه‌های مخالفت با این پدیده در میان جوانان پدیدار شود. وارنر و اش (۲۰۰۱) عنوان می‌کنند که طی پنج سال پس از این زمان، اقتصاددانان مطالعات زیادی را در خصوص پدیده سربازی انجام داده و امکان‌پذیری گزینه‌های بدیل به خصوص اجرای سیستم سربازی اختیاری را بررسی کرده‌اند.

بر این اساس مطالعه و مقایسه دو گزینه بدیل، یعنی سربازی اجباری و سربازی داوطلبانه بیش از سایر زمینه‌ها مورد توجه اقتصاددانان بوده است. آن‌طور که باور و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) عنوان می‌کنند تعداد قابل توجهی از مطالعات اقتصادی به سبب ناکارایی‌های ساختاری و هزینه‌های بالقوه بلندمدتی که در سیستم سربازی اجباری وجود دارد، سربازی اختیاری را گزینه بهتری می‌دانند اما دلیل رواج سربازی اجباری به‌رغم این مسائل، هزینه کمتر آن نسبت به سربازی اختیاری است. آنها معتقدند به همین دلیل است که بخش بزرگی از آمریکای جنوبی، آفریقا و آسیا همچنان اشکال مختلفی از سربازی اجباری را اجرا می‌کنند و کشورهایی که سربازی داوطلبانه را برگزیدند مانند کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی، بیشتر یک استثنا به حساب می‌آیند.

به‌طور کلی خدمت وظیفه عمومی را می‌توان نوعی مالیات تلقی کرد که به جای کالا بر افراد (معمولاً اتباع ذکور کشورها) وضع می‌شود. همین موضوع اثرگذاری توان مالیات‌ستانی دولت‌ها بر نوع سیاستگذاری در حوزه خدمت وظیفه عمومی را نشان می‌دهد. به بیان

---

1. Warner and Asch

2. Fisher

3. Bauer et al.

دقیق‌تر در کشورهای بی‌که توان مالیات‌ستانی دولت ضعیف است، گزینه سربازی اجباری مرجح خواهد بود زیرا جمع‌آوری مالیات بیشتر به منظور تأمین هزینه‌های سیستم اختیاری ممکن نیست. از سوی دیگر این نوع مالیات، یعنی خدمت و وظیفه عمومی، متضمن نوعی انتقال بین‌نسلی است که در برخی مطالعات مانند مطالعه پوتوارا و واگنر<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) به آن پرداخته شده است. پوتوارا و واگنر عنوان می‌کنند که در زمان وضع سیستم سربازی اجباری، یک گروه متضرر و یک گروه منتفع خواهند شد؛ گروهی که متضرر می‌شوند عبارتند از جوانان مشمول و تمامی نسل‌های آینده که باید به خدمت بروند (متضرر شدن از جهت اجبار به پرداخت مالیات به شکل کار اجباری) و گروهی که منتفع می‌شوند عبارتند از نسل‌هایی که سن آنها بالاتر از سن مشمولیت است زیرا آنها کالای امنیت را بدون پرداخت مالیات دریافت خواهند کرد. از سوی دیگر حذف سربازی اجباری نیز حداقل یک نسل را متضرر خواهد کرد؛ این همان نسلی است که خدمت و وظیفه را انجام داده و به عبارت دیگر مالیات پرداخت کرده است. از آنجاکه تعداد افراد منتفع از وضع سربازی اجباری و نیز ادامه آن (که همان نسل‌های بالاتر از سن مشمولیت هستند) همیشه بیشتر از افرادی است که از وضع سربازی اجباری و ادامه آن متضرر می‌شوند (همان نسل‌های در سن سربازی و پایین‌تر از آن)، وضع سربازی اجباری و ادامه آن همیشه با حمایت‌های اجتماعی و سیاسی همراه است. بنابراین توجه به این انتقالات بین‌نسلی می‌تواند تا حدی دلیل ماندگاری و جذابیت سیاسی سربازی اجباری به‌رغم تمام ناکارایی‌های آن را توضیح دهد. پوتوارا و واگنر همچنین اشاره می‌کنند که اگر بر سر ناکارا بودن سربازی اجباری اجماع وجود داشته باشد، باز هم مخالفت‌های جدی با حذف آن خواهد شد. این مخالفت‌ها از آن جهت بروز می‌کند که افراد با سن بالاتر که سربازی خود را گذرانده‌اند، با حذف سربازی اجباری بار دوبرابری مالیات را متحمل خواهند شد زیرا آنها یک بار با انجام خدمت و وظیفه در دوران جوانی خود، مالیات پرداخت کرده‌اند و حال با حذف سربازی اجباری و سپردن تأمین امنیت به مالیات‌پولی، در دوران میان‌سالی باز هم باید مالیات پرداخت کنند. به همین

1. Poutvaara and Wagener

دلیل طبیعی است انتظار داشته باشیم که افراد میان سال هزینه‌های پویایی که سربازی اجباری به نسل‌های آتی تحمیل می‌کند را نادیده گرفته و از تداوم سیستم سربازی اجباری حمایت کنند.

پوتوارا و واگنر پس از بیان استدلال خود در خصوص راحت نبودن حذف سربازی اجباری، پیشنهادی هم مطرح می‌کنند. آنها بیان می‌کنند که شاید بتوان سربازی اجباری را با نوع خاصی از مالیات جایگزین کرد. آنها نام این نوع مالیات را «مالیات مشروط به سن» یا «مالیات وابسته به سن» می‌گذارند؛ به این دلیل که فقط از افرادی که در سنین جوانی (سربازی) قرار دارند اخذ می‌شود. آنان چنین استدلال می‌کنند که این نوع مالیات در حالت وجود نرخ بهره مثبت، مطلوبیت نسل مشمول پرداخت مالیات را کاهش می‌دهد (زیرا در حالت اخذ مالیات معمول، مالیات از تمام آحاد جامعه اخذ می‌شود) اما گریزی از این کاهش مطلوبیت نیست زیرا انتقال از سیستم سربازی اجباری به هر سیستم دیگر، مستلزم تحمیل ضرر به حداقل یک نسل خواهد بود و اگر هیچ نسلی بار این ضرر را به دوش نکشد این سیستم قابل حذف نخواهد بود.

نوع دیگری از پرداختن به پدیده خدمت وظیفه عمومی در ادبیات اقتصادی، توجه به هزینه‌های پویای سربازی است. تمرکز بر هزینه‌های پویای خدمت وظیفه اجباری اولین بار در مطالعه لائو، پوتوارا و واگنر (۲۰۰۴)<sup>۱</sup> مطرح شد. ایده رویکرد این است که خدمت وظیفه اجباری، از طریق ایجاد انحراف در تخصیص زمان در طول چرخه زندگی و همچنین به سبب متمرکز کردن هزینه تأمین مالی ارائه خدمات عمومی در سال‌های ابتدایی زندگی سربازان، نوعی بار اضافی بین دوره‌ای بر اقتصاد تحمیل می‌کند. به عبارت دقیق‌تر ناکارایی خدمت وظیفه اجباری در این رویکرد، از زمان قرار گرفتن خدمت سربازی در چرخه زندگی (مراحل ابتدایی زندگی اقتصادی افراد) ناشی می‌شود. در راستای همین رویکرد کلر، پوتوارا و واگنر (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که سربازی اجباری، سطح و رشد تولید ناخالص داخلی را حداقل در میان کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به‌طور معناداری کاهش

---

1. Lau, Poutvaara and Wagener

می دهد. به عبارت دیگر کاهش های تحمیل شده به درآمد طول عمر افراد در سطح خرد، کاهش قابل توجه درآمد و رشد را در سطح کلان نتیجه می دهد.

حمایت از سیستم سربازی اجباری نیز در میان مطالعات اقتصادی دارای سابقه بوده است. مطابق آنچه وارنر و اش (۲۰۰۱) عنوان می کنند، اولین زمزمه های حمایت از سیستم اجباری پس از مباحث جدی دهه ۱۹۶۰ در مخالفت با آن به سال ۱۹۷۰ بازمی گردد. در سال ۱۹۷۰، وزیر جنگ آمریکا یعنی استنلی روزر تعدادی از مشکلات بالقوه سیستم سربازی داوطلبانه را مطرح کرد و پس از آن برخی دیگر از نویسندگان موارد عنوان شده توسط روزر را برجسته کردند. یکی از نکات مهم بیان شده توسط روزر و حامیان بعدی او مسئله کاهش کیفیت نیروها تحت سیستم داوطلبانه بود. آنها استدلال می کنند اگر تحت سیستم داوطلبانه، افرادی جذب سیستم شوند که دارای کمترین هزینه فرصت (افراد دارای بدترین فرصت های شغلی بالقوه غیرنظامی) باشند و اگر این هزینه فرصت منعکس کننده میزان توانایی افراد باشد که این طور هم خواهد بود، آنگاه نیروهای جذب شده تحت این سیستم لزوماً دارای توانایی کمتری نسبت به نیروهای جذب شده تحت سیستم اجباری (با اندازه مشابه) خواهند بود.

یکی از مهمترین مطالعات در این زمینه توسط لی و مکنزی<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) انجام شده است. لی و مکنزی با توجه به اتفاق نظر اقتصاددانان در خصوص کاراتر بودن سیستم داوطلبانه نسبت به سیستم اجباری، بیان می کنند که استدلال های مطرح شده یک نکته مهم را نادیده گرفته و آن تأثیر نسبت تعداد سربازان به جمعیت واجد شرایط و همچنین زیان از دست رفته ناشی از اخذ مالیات بر بیشتر یا کمتر بودن هزینه سیستم اجباری نسبت به سیستم داوطلبانه است. توضیح اینکه مطابق استدلال لی و مکنزی، با افزایش تعداد سربازان مورد نیاز نسبت به کل جمعیت واجد شرایط، به تدریج تمایز قائل شدن میان افراد با هزینه فرصت بالا و هزینه فرصت پایین، مزیت خود را از دست خواهد داد و در نقطه حدی کاملاً از بین خواهد رفت. از سوی دیگر هرچه زیان از دست رفته

1. Stanley Resor

2. Lee and McKenzie



جمع‌آوری مالیات نقدی بزرگ‌تر باشد، عدم مزیت سیستم اجباری (به دلیل اخذ مالیات ضمنی و صفر بودن زیان از دست رفته مالیات نقدی) نسبت به سیستم داوطلبانه کمتر خواهد شد.

از دیگر استدلال‌ها در همین زمینه جذب شوک مخارج توسط خدمت وظیفه عمومی است که در برخی مطالعات مانند مطالعه سی<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) به آن پرداخته شده است. سی عنوان می‌کند که خدمت وظیفه اجباری را می‌توان به عنوان یکی از ابزارهای جذب شوک‌های مالی (فتر مالی)<sup>۲</sup> دانست؛ به طوری که در مواقع وارد شدن یک شوک غیرمعمول و بزرگ مخارج، سربازی می‌تواند شوک وارده را (از طریق تأمین نیروی کار ارزان برای دولت و کاهش اختلال ناشی از تأمین مالی مخارج) جذب کند.

اما باید گفت یک بُعد بسیار مهم در زمینه سیاستگذاری این حوزه، موضوع عدالت است که بخشی از هدف این پژوهش را نیز تشکیل می‌دهد. اساساً با توجه به ابعاد اجتماعی خدمت وظیفه عمومی باید راهکارهایی که به افزایش کارایی اقتصادی می‌انجامد نیز از منظر عدالت مورد بررسی قرار گیرند.

وارنر و اش (۲۰۰۱) بیان می‌کنند که مالیات ضمنی که تحت سیستم اجباری از سربازان دریافت می‌شود دارای ماهیت کاهنده<sup>۳</sup> است به ویژه هنگامی که افراد دارای ضعیف‌ترین موقعیت‌ها به سربازی اعزام شوند.<sup>۴</sup> این شرایط درست مانند سیستم مستقر در جنگ جهانی اول در آمریکا است که براساس آن فرد دارای ضعیف‌ترین وضعیت به لحاظ هزینه فرصت، اولین نفری بود که به خدمت فراخوانده می‌شد.<sup>۵</sup> آنها می‌گویند همین آگاهی نسبت به کاهنده بودن این مالیات در سطح جامعه، دلیل تغییر مسیر حاکمیت به سمت محدود کردن معافیت‌ها و محدود کردن امکان تعویق خدمت

---

1. Siu

2. Fiscal Shock-absorber

3. Regressive Tax

۴. به این معنا که افرادی که کمترین هزینه فرصت را دارند (افراد دارای بدترین فرصت‌های شغلی بالقوه غیرنظامی) به خدمت اعزام شوند.

5. "Least Value Drafted First" System

توسط افراد و نیز حرکت به سمت سربازگیری تصادفی (که در آن شانس هر فرد برای انتخاب شدن مساوی باشد) بوده است. آنها تذکر می‌دهند که سربازگیری تصادفی هم رافع تمام مشکلات سیستم اجباری نیست زیرا باز هم در این شرایط خانواده‌هایی که فرزند دختر دارند یا فرزند ندارند اصلاً این مالیات را پرداخت نمی‌کنند. به عبارت دیگر اگرچه سربازگیری تصادفی (تخصیص بار مالیاتی به شکل تصادفی) تا حدی از عمق مشکل می‌کاهد و نسبت به سایر حالات عادلانه‌تر است، اما باز هم از دید جامعه یک راهکار عادلانه تلقی نمی‌شود.

مایکل سندل (۱۳۹۶) فیلسوف سیاسی معاصر، در این باره می‌گوید: «اگر افراد طرفدار اختیارگرایی باشند، پاسخ آنها آشکار است. سربازگیری اجباری ناعادلانه است چون روشی تحمیلی و نوعی بردگی است؛ برای جذب سرباز باکیفیت و تعداد مورد نیاز، هر حقوق و مزایایی که مورد نیاز است تعیین کنید و اجازه بدهید خود مردم درباره پذیرش این شغل تصمیم بگیرند. هیچ کس مجبور نیست برخلاف اراده خود در ارتش خدمت کند و کسانی که به خدمت تمایل دارند می‌توانند تصمیم بگیرند که با توجه به همه جوانب، خدمت در ارتش را به سایر شغل‌ها ترجیح می‌دهند یا خیر. اما دست‌کم دو اعتراض را می‌توان به این استدلال وارد دانست. اعتراض نخست این است که برای کسانی که گزینه‌های محدودی دارند، بازار آزاد به هیچ وجه آزاد نیست. [...] ممکن است برخی افرادی که به ارتش می‌پیوندند، به اندازه کسانی که به ارتش ملحق نمی‌شوند از خدمت متنفر باشند. اگر فقر و محرومیت گسترده باشد، تصمیم به پیوستن به ارتش ممکن است نمایانگر این باشد که فرد مورد نظر چاره دیگری ندارد. دومین اعتراض این است که خدمت در ارتش شبیه به سایر شغل‌ها نیست، بلکه تعهدی همگانی یا مدنی است. بر این اساس همه شهروندان وظیفه دارند به کشور خود خدمت کنند».

ذکر این نکته ضروری است که در این پژوهش قصد نداریم از زاویه فلسفی و بنیادین به موضوع عدالت در سیاستگذاری این حوزه ورود کنیم چرا که این مسئله نیاز به بررسی عمیق و جداگانه‌ای خواهد داشت؛ بلکه این پژوهش ترجیحات افراد در این حوزه را مورد بررسی قرار می‌دهد که در ادامه تبیین خواهد شد.

## ۲. روش تحقیق

به طور کلی اگر برای یک کالا بازار وجود داشته باشد، ارزشگذاری از طریق ترجیحات آشکار شده امکان پذیر خواهد بود و در صورت فقدان بازار، ترجیحات اظهار شده جایگزین ترجیحات آشکار شده خواهد شد. طبیعی است که در خصوص بررسی پیامدهای یک سیاست نیز همین دو رویکرد وجود دارد. در حالت استفاده از ترجیحات اظهار شده از افراد خواسته می شود مشروط به شرایطی که برای آنها تصویر می شود، ترجیحات خود را بیان کنند.

در این پژوهش از مدل های انتخاب گسسته<sup>۱</sup> و به طور مشخص از مدل لاجیت چند جمله ای<sup>۲</sup> استفاده خواهد شد. ویژگی های کلی این مدل ها را می توان از طریق روش مطلوبیت تصادفی<sup>۳</sup> به خوبی تبیین کرد. در این روش فرض بر این است که یک متغیر غیر قابل مشاهده<sup>۴</sup> وجود دارد که همان مطلوبیت فرد ناشی از انتخاب یکی از گزینه های ممکن است. این مطلوبیت غیر قابل مشاهده می تواند تابعی از ویژگی های فرد یا ویژگی های گزینه ها (به عنوان متغیر توضیحی) باشد که هر یک از آنها نوع متفاوتی از مدل های انتخاب گسسته را به دست خواهد داد. اگر مطلوبیت تصادفی تابعی از ویژگی های افراد باشد، مدل لاجیت چند جمله ای کاربردی خواهد بود.<sup>۵</sup> بر این اساس در این مدل ها، متغیرهای توضیحی تابعی از ویژگی های افراد<sup>۶</sup> هستند و پارامترهای مدل برای هر گزینه قابل انتخاب به صورت جداگانه برآورد می شوند. در این حالت داریم (مطلوبیت فرد  $u_{ij}$  از انتخاب گزینه  $j$  بوده که متغیر پنهان است):

$$U_{ij} = X_i' \beta_j + \varepsilon_{ij} \Rightarrow P_{ij} = P(y_i = j) = P(X_i'(\beta_j - \beta_k) > \varepsilon_{ik} - \varepsilon_{ij}) ; \text{ for any } k \neq j$$

در اینجا نیاز به دو فرض در خصوص جملات اخلاص داریم:

**فرض اول:** استقلال انتخاب افراد<sup>۷</sup> (به این معنا که انتخاب هر فرد تحت تأثیر انتخاب

سایر افراد قرار نخواهد گرفت).

1. Discrete Choice Experiment

2. Multinomial Logit

3. Additive- Random Utility Model

4. Latent

۵. گفتنی است در این حالت، تابع پروبیت نیز قابل کاربرد است اما به دلیل بروز پیچیدگی های شدید محاسباتی که در بسیاری موارد تخمین را غیرممکن می کند، از تابع لاجیت با لحاظ یک فرض محدود کننده (فرض استقلال گزینه های نامرتب) استفاده می شود.

6. Case- Specific or Alternative Invariant

7.  $cov(\varepsilon_{ij}, \varepsilon_{ik}) = 0$  for  $i \neq j$  and all  $j \& k = 1, \dots, m$

**فرض دوم:** استقلال گزینه‌های نامرتب<sup>۱</sup> است. <sup>۲</sup>مجموع این دو فرض با پیروی جملات اخلاص از توزیع و توزیع مقدار حدی<sup>۳</sup> قابل دستیابی است. مک فادن<sup>۴</sup> (۱۹۷۳) اثبات کرد که با فرض تبعیت یک متغیر از توزیع مذکور، احتمال زیر از الگوی لاجیت پیروی می‌کند:

$$F(\varepsilon_{ij}) = \exp(-\exp(-\varepsilon_{ij})) \Rightarrow P(y_i = j) = \frac{e^{X'_i \beta_j}}{\sum_{k=1}^M e^{X'_i \beta_k}} ; j, k = 1; \dots; M$$

با به دست آوردن احتمالات، تشکیل تابع درستنمایی ممکن خواهد بود. گفتنی است که قاعده نرمال سازی<sup>۵</sup> به صورت  $\beta_1=0$  در استخراج تابع درستنمایی لحاظ شده است:<sup>۶</sup>

$$\ln L = \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^m Y_{ij} \log P_{ij} = \sum_{j=2}^m (\sum_{i=1}^n Y_{ij} X'_i \beta_j - \log(1 + \sum_{k=1}^m e^{X'_i \beta_k}))$$

در این مدل ضرایب مستقیماً قابلیت تفسیر ندارند و باید از اثرات نهایی و نسبت Odd Ratio برای تحلیل نتایج استفاده کرد. در این مدل یک طبقه به عنوان طبقه پایه (طبقه‌ای که قاعده نرمال سازی برای ضرایب آن اعمال می‌شود) در نظر گرفته شده و تفاوت ضرایب طبقات از طبقه پایه ملاک عمل خواهد بود؛ اثرات نهایی نیز از همین منطق پیروی می‌کنند. به عبارت دیگر اثرات نهایی در هر طبقه، تفاوت ضریب طبقه مورد نظر از متوسط ضرایب سایر طبقات است. خروجی این مدل برای تحقیق حاضر تحلیل احتمال انتخاب

#### 1. Independence of Irrelevant Alternatives (IIA)

۲. به این معناست که علاوه بر استقلال انتخاب افراد، گزینه‌های مختلف نیز از یکدیگر مستقل هستند؛ به این معنا که در مقایسه میان دو گزینه سایر گزینه‌های قابل انتخاب نامربوط هستند. مثال معروف مورد استفاده کامرون و تریوندی (۲۰۰۹)، مثال انتخاب میان سه گزینه خودرو، اتوبوس قرمز و اتوبوس آبی برای حمل و نقل است. فرض استقلال گزینه‌های نامرتب می‌گوید که هنگام مقایسه احتمال انتخاب میان خودرو و اتوبوس قرمز، وجود گزینه اتوبوس آبی بی‌تأثیر است. این در حالی است که انتظار داریم به طور طبیعی اضافه شدن گزینه اتوبوس آبی، انتخاب مذکور را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو در برخی موارد نادرستی این فرض مشهود است. آزمون هاسمن و مک فادن (۱۹۷۳) برای بررسی این فرض قابل استفاده است. حال اگر آزمون فوق حاکی از رد شدن فرض استقلال گزینه‌های نامرتب بود، باید از تعمیم‌های قابل استفاده در مدل‌های فوق برای حل این مشکل بهره برد (زیرا استفاده از مدل ایدئال، یعنی پروبیت چندجمله‌ای امکان‌پذیر نیست).

#### 3. Extreme Value Distribution: $F(t)=\exp(-\exp(-t))$

#### 4. McFadden

#### 5. Normalization Rule

۶.  $Y_{ij}$  در صورت انتخاب گزینه  $j$  توسط فرد  $i$  مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر خواهد گرفت.

گزینه‌های سیاستی بدیل با تغییر ویژگی‌های افراد است. به عنوان مثال تأثیر افزایش سطح تحصیلات، درآمد و... روی انتخاب گزینه‌های سیاستی بدیل قابل برآورد و تفسیر است.

## ۲-۱. طرح پرسشنامه

در این پژوهش گزینه‌های مختلف سیاستگذاری در زمینه خدمت وظیفه عمومی، از منظر ویژگی‌های افراد انتخاب‌کننده (به ویژه درآمد و دیدگاه افراد در خصوص برابری و تبعیض) ارزیابی خواهد شد. از این رو اولین گام طراحی گزینه‌های سیاستگذاری بدیل برای قرار دادن در معرض انتخاب افراد است.

اگر گزینه‌های قابل طراحی برای سیاستگذاری در حوزه خدمت وظیفه عمومی را بتوان در قالب یک طیف در نظر گرفت، دو انتهای این طیف عبارتند از سربازی اجباری و سربازی داوطلبانه (حرفه‌ای)؛ اما سربازی داوطلبانه به دو دلیل در میان گزینه‌های مورد بررسی این پژوهش قرار نگرفته است. دلیل اول مربوط به امکان‌پذیری این گزینه است. در بخش قبل به نقش قدرت مالیات‌ستانی دولت‌ها در انتخاب گزینه سیاستگذاری در این حوزه اشاره شد. پوتوارا و واگنر (۲۰۰۷) عنوان می‌کنند که روش تأمین نیروی کار مورد نیاز برای تولید کالاها (کالای عمومی امنیت در این زمینه) به قدرت مالیات‌ستانی دولت بستگی خواهد داشت؛ حال چه این مالیات به شکل مالیات پولی باشد و چه به شکل مالیات کالایی به شکل کار اجباری باشد. اگرچه این مدعا قابلیت بررسی جداگانه دارد؛ اما وضعیت کسری بودجه دولت طی سال‌های اخیر و انتشار قابل توجه اوراق بدهی در نتیجه آن، امکان مالیات‌ستانی بیشتر از آحاد جامعه در ابعاد قابل توجه برای تأمین مالی مخارج دفاعی کشور (سربازی داوطلبانه) را در آینده نزدیک مبهم می‌کند. بر این اساس به نظر می‌رسد امکان‌پذیر نبودن پیاده‌سازی کامل سیستم سربازی حرفه‌ای، تا حدی به عنوان پیش‌فرض در ذهن بسیاری از سیاستگذاران نقش بسته است؛ بنابراین به منظور کاربردی شدن بیشتر نتایج تحقیق، این گزینه در نظر گرفته نشده است. دلیل دوم مربوط به مباحث فنی برآورد الگو است. قرار دادن گزینه سربازی داوطلبانه در میان گزینه‌ها، این مخاطره را به همراه خواهد داشت که بخش

---

۱. البته دلایل این موضوع طبعاً تا حدی ابعاد نظامی و تا حدی اقتصادی داشته که ابعاد اقتصادی آن مورد توجه این تحقیق بوده است.

قابل توجهی از پاسخ‌ها به سمت این گزینه هدایت شده که در این صورت الگونی تواند تحلیل جامعی از احتمالات گزینه‌های بدیل ارائه کند. از آنجاکه یکی از اهداف اصلی تحقیق حاضر بررسی پدیده فروش سربازی از منظر ترجیحات افراد است، این سیاست به عنوان یکی از سیاست‌های قابل طراحی در دو حالت مختلف در گزینه‌ها قرار گرفته است. حالت اول فروش به شیوه مرسوم و حالت دوم، فروش به نحوی است که وجوه حاصل از فروش سربازی، صرف افزایش حقوق سربازان شود. حالت دوم به این دلیل در میان گزینه‌ها قرار داده شده که نتایج اقتصادی - اجتماعی آن به میزان قابل توجهی متفاوت از حالت فروش به شیوه معمول است زیرا از یک سو حداقل، تمام یا بخشی از هزینه فرصت اقتصادی افرادی که به هر دلیلی به سربازی می‌روند جبران خواهد شد و از سوی دیگر افرادی که تمایل به خرید سربازی دارند باید هزینه قابل توجهی پرداخت کنند. ممکن است تحت این حالت، برخی افرادی که به هر دلیلی فاقد شغل هستند، به دلیل انگیزه‌های اقتصادی متقاضی اعزام به خدمت و وظیفه عمومی شوند. نکته دیگر این‌که در طراحی گزینه‌ها تلاش شده است که مبالغ، در ارتباط با حداقل دستمزد سالیانه<sup>۱</sup> انتخاب شود تا هزینه فرصت استاندارد (اقتصادی) ملاک قرار گیرد. در تحقیق حاضر از افراد خواسته شده است که از میان سه گزینه زیر، گزینه‌ای که بیشتر از بقیه ترجیح می‌دهند را انتخاب کنند:

**گزینه اول:** سربازی اجباری باشد و امکان خرید آن برای هیچ‌کس وجود نداشته باشد؛  
**گزینه دوم:** سربازی اجباری باشد، اما امکان خرید با مبلغ متعارف (مثلاً پرداخت ماهیانه سه میلیون تومان در دو سال) فراهم شود. حقوق سربازان هم نسبت به وضع فعلی تغییر نکند؛  
**گزینه سوم:** سربازی اجباری باشد، اما امکان خرید سربازی با مبلغ بالا (مثلاً پرداخت ماهیانه ۶ میلیون تومان در دو سال) فراهم شود و با این منابع، حقوق سربازان کاملاً افزایش یابد (پرداخت حداقل دستمزد وزارت کار).

گام بعدی استخراج ویژگی‌ها و دیدگاه افراد است. مطابق آنچه عنوان شد یکی از دغدغه‌هایی که همواره در خصوص فروش سربازی مطرح می‌شود، ایجاد نارضایتی در افراد کم‌درآمد است. بر این اساس تحلیل انتخاب افراد در گروه‌های مختلف درآمدی و با

۱. حدود ۲٫۵ میلیون تومان برای سال ۱۳۹۹ با اندکی تعدیل با توجه به تورم نیمه نخست سال مذکور.

دیدگاه‌های متفاوت می‌تواند اهمیت این مسئله را روشن کند. به عبارت دیگر با استفاده از مدل لاجیت چند جمله‌ای به دنبال این مسئله هستیم که افرادی که درآمد کمتری دارند یا اهمیت بیشتری به برابری و عدم تبعیض می‌دهند، کدام گزینه‌ها را بیشتر انتخاب می‌کنند. متعاقباً این نکته تا حدی روشن خواهد شد که حرکت به سمت فراهم شدن امکان پرداخت پول در ازای برخورداری از معافیت، تا چه حد از منظر افراد، قابل پذیرش خواهد بود. در این تحقیق متغیرهای مستقل اصلی عبارتند از درآمد و دیدگاه افراد نسبت به برابری و تبعیض. متغیر درآمد که به سادگی با پرسش مستقیم قبل استخراج است (تنها نکته قابل ذکر اینکه در این تحقیق درآمد خانوار ملاک قرار گرفته است) اما دیدگاه افراد نسبت به برابری و تبعیض با پرسش سؤالات مستقیم قابل استخراج نخواهد بود. به این منظور و با پیروی از مطالعه شیجئوکا و یامادا<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) از افراد خواسته شد که به دو پرسش ذیل پاسخ دهند:

**پرسش اول:** «نظر شما در خصوص این گزاره که فاصله درآمد فقرا و ثروتمندان باید کاهش یابد، چیست؟». گزینه‌ها به صورت طیفی از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» (زیرا تفاوت درآمدها انگیزه کار و تلاش در افراد را افزایش می‌دهد) در پنج سطح طراحی شده است.

**پرسش دوم:** «نظر شما در خصوص این گزاره که افراد فقط به قیمت فقیرتر شدن دیگران ثروتمند می‌شوند، چیست؟». گزینه‌ها به صورت طیفی از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» در پنج سطح است. پرسش اول به سنجش اهمیت برابری از منظر افراد و پرسش دوم به ارزیابی دیدگاه افراد در خصوص انباشت ثروت می‌پردازد. بدیهی است افرادی که در پاسخ پرسش اول، گزینه کاملاً موافقم را انتخاب می‌کنند اهمیت بیشتری به برابری و افرادی که گزینه کاملاً مخالفم را انتخاب می‌کنند اهمیت کمی به برابری می‌دهند. در خصوص پرسش دوم، انتخاب گزینه کاملاً موافقم به معنای دیدگاه منفی نسبت به انباشت ثروت و انتخاب گزینه کاملاً مخالفم به معنی دیدگاه مثبت نسبت به انباشت ثروت است. انتظار می‌رود افرادی که دارای دیدگاه منفی نسبت به انباشت ثروت هستند، حساسیت بیشتری نسبت به تبعیض و نابرابری داشته باشند. همچنین لحاظ کردن متغیر درآمد نیز می‌تواند به صورت مستقیم، تحلیل انتخاب افراد کم درآمد را امکان پذیر کند.

### ۳. نتایج

جامعه آماری این تحقیق شامل شهروندان ذکور بین هجده تا پنجاه سال بود. از آنجاکه در مطالعات انتخاب گسسته، روال مشخصی برای تعیین حجم نمونه وجود ندارد (سبحانیان، مهرآرا و عبادی، ۱۳۹۵)، حجم نمونه در این تحقیق عمدتاً با توجه به سایر مطالعات مشابه (بالای ۴۰۰ پرسشنامه) تعیین شد. حجم نمونه آماری این تحقیق ۴۴۹ نفر با میانگین سنی ۲۸/۷ سال بوده که با کنار گذاشتن پاسخ‌های غیرقابل استفاده، مدل با استفاده از داده‌های ۴۴۰ پرسشنامه برآورد شد. ویژگی‌های عمومی پاسخ‌دهندگان در جدول ۱ ارائه شده است. گفتنی است ۲۲ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه یک، ۳۱ درصد گزینه دو و ۴۷ درصد گزینه سوم را انتخاب کرده‌اند.

جدول ۱. ویژگی‌های عمومی پاسخ‌دهندگان

ویژگی	سطوح	درصد	ویژگی	سطوح	درصد
تاهل (Maritalstat)	متاهل	۴۴	وضعیت شغلی (Jobsit)	شاغل تمام وقت	۴۵
	زیردیپلم	۰٫۷		شاغل نیمه وقت	۲۸
	دیپلم	۷		غیرشاغل	۲۷
تحصیلات (Education)	لیسانس	۲۹	وضعیت سربازی (Militarysit)	مشمول	۴۲
	فوق لیسانس	۴۳		معاف	۱۹
	دکتری	۱۹		سرباز	۹
	استان محل سکونت (Province)	تهران		۶۰	گذرانده
وضعیت تحصیلی (Studentsit)	سایر استان‌ها	۴۰	درآمد ماهیانه خانوار (Income)	کمتر از ۲/۵ میلیون تومان	۱۴
	دانشجو	۵۵		بین ۲/۵ تا ۵ میلیون تومان	۲۹
	غیردانشجو	۴۵		بین ۵ تا ۷ میلیون تومان	۲۵
				بیش از ۷ میلیون تومان	۳۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق.



نتیجه تخمین مدل لاجیت چند جمله‌ای تحت تصریح‌های مختلف در جدول ۲ ارائه شده است. همان‌طور که از نتایج قابل مشاهده است، ضرایب معنادار تصریح اصلی (تصریح ششم)، در تصریحات دیگر نیز معنادار بوده و به بیان دقیق‌تر، روباست<sup>۱</sup> هستند. گفتنی است طبقه پایه در تمام تصریحات، طبقه اول (متناظر با گزینه اول) در نظر گرفته شده است. همچنین متغیرهای مربوط به پاسخ افراد به دو سؤال مربوط به سنجش دیدگاه افراد با Attitude 1 و Attitude 2 نمایش داده شده است. ضرایب ارائه شده در اصل تفاوت ضریب طبقه مربوطه از طبقه پایه است.

جدول ۲. نتایج مدل لاجیت شرطی

		۱	۲	۳	۴	۵	۶
گزینه دوم	Age	** -۰.۰۶۴ (۰.۰۳۲)	** -۰.۰۷۴ (۰.۰۳۱)	*** -۰.۰۸۵ (۰.۰۲۹)	*** -۰.۰۷۹ (۰.۰۲۸)	*** -۰.۰۸۳ (۰.۰۲۷)	*** -۰.۰۸۵ (۰.۰۲۷)
	Militarysit	** -۰.۳۴۶ (۰.۱۳۷)	*** -۰.۳۸۲ (۰.۱۳۲)	*** -۰.۳۸۴ (۰.۱۳۱)	*** -۰.۳۴ (۰.۱۲۶)	*** -۰.۳۴۰ (۰.۱۲۵)	*** -۰.۳۴۵ (۰.۱۲۵)
	Income	-۰.۰۵۳ (۰.۱۴۵)	-۰.۰۴۷ (۰.۱۴۵)	-۰.۰۱۹ (۰.۱۴۳)	۰.۰۰۱ (۰.۱۴۲)	۰.۰۰۶ (۰.۱۴۱)	۰.۰۲۶ (۰.۱۳۸)
	Attitude1	۰.۰۶۱ (۰.۱۳۶)	۰.۰۵۸ (۰.۱۳۶)	۰.۰۶۷ (۰.۱۳۶)	۰.۰۶۱ (۰.۱۳۵)	۰.۰۵۹ (۰.۱۳۵)	۰.۰۵۳ (۰.۱۳۴)
	Attitude2	۰.۱۷۳ (۰.۱۰۹)	۰.۱۷۲ (۰.۱۰۹)	۰.۱۶۲ (۰.۱۰۹)	۰.۱۷۲ (۰.۱۰۸)	۰.۱۷۲ (۰.۱۰۷)	* ۰.۱۸۰ (۰.۱۰۶)
	Province	-۰.۱۱۷ (۰.۲۹۹)	-۰.۱۳۵ (۰.۲۹۸)	-۰.۱۳۱ (۰.۲۹۸)	-۰.۱۷۰ (۰.۲۹۵)	-۰.۱۷۷ (۰.۲۹۴)	
	Education	-۰.۰۱۹ (۰.۱۷۶)	۰.۰۱۸ (۰.۱۷۲)	-۰.۰۰۸ (۰.۱۶۹)	-۰.۰۰۵ (۰.۱۶۸)		
	Jobsit	-۰.۲۹۵ (۰.۲۰۲)	-۰.۲۵۴ (۰.۱۹۶)	-۰.۲۰۶ (۰.۱۸۹)			
	Maritalstat	-۰.۳۵۷ (۰.۳۴۷)	-۰.۳۵۰ (۰.۳۴۷)				
	Studentsit	-۰.۳۲۴ (۰.۳۶۲)					
	Constant	*** ۳.۴۴۶ (۱.۱۴۶)	*** ۳.۴۴۳ (۱.۱۴۵)	*** ۳.۵۵۱ (۱.۱۴۲)	*** ۲.۸۴۷ (۰.۹۱۵)	*** ۲.۹۳۴ (۰.۸۵۶)	*** ۲.۸۵۷ (۰.۸۳۹)

		۱	۲	۳	۴	۵	۶
گزینه سوم	Age	** -۰.۰۶۲ (۰.۰۲۸)	** -۰.۰۶۱ (۰.۰۲۷)	** -۰.۰۶۳ (۰.۰۲۵)	** -۰.۰۵۸ (۰.۰۲۵)	** -۰.۰۵۰ (۰.۰۲۳)	** -۰.۰۵۳ (۰.۰۲۳)
	Militarysit	-۰.۰۵۶ (۰.۱۲۱)	-۰.۰۵۰ (۰.۱۱۶)	-۰.۰۵۰ (۰.۱۱۶)	-۰.۰۱۲ (۰.۱۱۱)	-۰.۰۲۷ (۰.۱۱۰)	-۰.۰۴۶ (۰.۱۰۹)
	Income	-۰.۱۷۸ (۰.۱۳۳)	-۰.۱۷۸ (۰.۱۳۳)	-۰.۱۷۳ (۰.۱۳۱)	-۰.۱۵۰ (۰.۱۲۹)	-۰.۱۳۶ (۰.۱۲۹)	-۰.۰۸۶ (۰.۱۲۵)
	Attitude1	۰.۱۸۸ (۰.۱۲۳)	۰.۱۸۸ (۰.۱۲۳)	۰.۱۹۰ (۰.۱۲۳)	۰.۱۸۴ (۰.۱۲۲)	۰.۱۷۹ (۰.۱۲۱)	۰.۱۷۷ (۰.۱۲۱)
	Attitude2	** ۰.۲۵۴ (۰.۰۹۹)	** ۰.۲۵۴ (۰.۰۹۹)	** ۰.۲۵۱ (۰.۰۹۹)	*** ۰.۲۶۰ (۰.۰۹۹)	*** ۰.۲۷۶ (۰.۰۹۸)	*** ۰.۲۹۸ (۰.۰۹۷)
	Province	-۰.۴۴۶ (۰.۲۷۳)	-۰.۴۴۵ (۰.۲۷۳)	-۰.۴۴۹ (۰.۲۷۴)	* -۴۸۶ (۰.۲۷۲)	* -۰.۵۰۷ (۰.۲۷۰)	
	Education	۰.۱۷۵ (۰.۱۶۳)	۰.۱۶۸ (۰.۱۵۹)	۰.۱۶۲ (۰.۱۵۶)	۰.۱۶۳ (۰.۱۵۶)		
	Jobsit	-۰.۲۱۷ (۰.۱۸۵)	-۰.۲۱۹ (۰.۱۸۰)	-۰.۲۰۴ (۰.۱۷۳)			
	Maritalstat	-۰.۰۸۹ (۰.۳۱۲)	-۰.۰۹۱ (۰.۳۱۲)				
	Studentsit	۰.۰۳۰ (۰.۳۲۲)					
	Constant	* ۲.۰۲۸ (۱.۰۴۶)	* ۲.۰۲۷ (۱.۰۴۴)	** ۲.۰۳۹ (۱.۰۳۹)	۱.۳۵۶ (۰.۸۵۲)	** ۱.۷۰۳ (۰.۷۷۰)	* ۱.۴۱۷ (۰.۷۵۱)
	Log Likelihood	-۴۲۹.۳۲	-۴۳۰.۰۶	-۴۳۰.۶۶	-۴۳۱.۴۵	-۴۳۲.۳۶	-۴۳۴.۳۹
Prob > chi2	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	

علامت \* و \*\* و \*\*\* به ترتیب نشانگر معنادار بودن در سطح ۱۰ و ۵ و ۱ درصد است.  
مأخذ: همان.

اما پیش از هرگونه تفسیر مدل باید برقرار بودن فرض استقلال گزینه‌های نامرتب مورد آزمون قرار گیرد. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد فرض صفر مبنی بر برقراری استقلال گزینه‌های نامرتب قابل رد کردن نیست.<sup>۱</sup>

۱. در حالت‌های حذف گزینه دوم و سوم به دلیل برقرار نبودن فرض آزمون هاسمن (عدم تقارن ماتریس واریانس) برای آزمون کردن فرض مذکور از روش Suest (Seemingly Unrelated Estimation) استفاده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون فرض استقلال گزینه‌های نامرتب

گزینه حذف شده	آماره $\chi^2$	Prob > $\chi^2$
۱	۰٫۴۱	۰٫۹۹۵۲
۲	۴٫۸۴	۰٫۵۶۴۷
۳	۲٫۴۷	۰٫۸۷۲۱

مأخذ: همان.

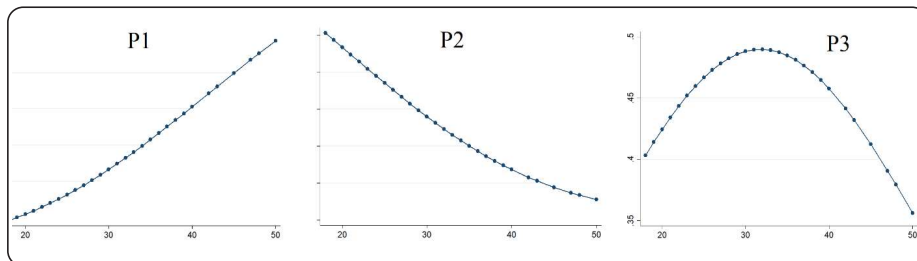
اولین نتیجه‌ای که از برآورد مدل قابل استنباط خواهد بود، معنادار نبودن ضریب درآمد (در تمام تصریحات و تمام طبقات) است. به این معنا که درآمد افراد، تأثیر سیستماتیکی روی ترجیح آنها در زمینه سیاست فروش سربازی نمی‌گذارد. این فرضیه که افراد با درآمد پایین، سیاست عدم فروش سربازی را ترجیح می‌دهند یا این فرضیه که افراد با درآمدهای بالا لزوماً سیاست فروش سربازی را ترجیح می‌دهند، قابل تأیید نیست. در این باره چندین توضیح محتمل را می‌توان ارائه کرد. یک توضیح احتمالی می‌تواند این باشد که برخی از افراد در نمونه، ترجیحات خود را فارغ از ویژگی‌های شخصی (خصوصاً درآمد) و براساس باور و نگاه اجتماعی خود بیان کرده‌اند. به عنوان مثال ممکن است برخی از افرادی که از درآمد بالایی برخوردار بوده‌اند، به این دلیل که سیاست فروش سربازی را به لحاظ باورها و آموزه‌های خود مخرب می‌دانسته‌اند (به این معنا که چنین سیاستی را موجب تضعیف عدالت، تعهد و انسجام اجتماعی می‌دانند) ادامه وضعیت موجود را انتخاب کرده باشند یا برعکس. توضیح دیگر اینکه افراد برای چنین انتخابی، ارزش فعلی درآمدهای آتی (و نه لزوماً درآمد فعلی) و همچنین ارزش دارایی‌های خود (و البته خانواده) را در تصمیم‌گیری دخالت می‌دهند؛ در واقع به جای درآمد، انتظار می‌رود دارایی‌های قابل نقد و چشم‌انداز درآمدهای آتی فرد تعیین‌کننده ترجیحات وی در خصوص سیاست فروش سربازی باشد (اگر قرار است رابطه‌ای میان شرایط اقتصادی فرد و ترجیحات وی وجود داشته باشد). بنابراین ممکن است درآمد جاری خانوار نماینده خوبی از ثروت قابل نقد و چشم‌انداز درآمدهای آتی فرد نباشد.

توضیح سومی که می‌تواند برای عدم تأثیرگذاری درآمد بر ترجیحات افراد ارائه شود، افزایش حقوق سربازان در گزینه سوم است، به این معنا که ممکن است بخشی از افراد دارای درآمد پایین (خصوصاً افرادی که شغل نیز ندارند)، با انگیزه دریافت حقوق مناسب، فروش به نحوی که منجر به افزایش حقوق سربازان شود را به ادامه وضعیت فعلی ترجیح داده باشند. نتیجه قابل توجه دیگر، معنادار بودن ضریب سن در تمام طبقات و تمام تصریحات است. برای بررسی دقیق‌تر مدل را با حذف سایر متغیرها برآورد کرده و احتمالات برآورد شده از مدل را در مقابل متغیر سن ترسیم می‌کنیم. نمودار ۱، احتمال انتخاب طبقات مختلف را به ازای مقادیر مختلف سن نمایش می‌دهد. افزایش سن رابطه مثبتی با احتمال انتخاب گزینه اول و رابطه منفی با احتمال انتخاب گزینه دوم دارد؛ همچنین با افزایش سن، احتمال انتخاب گزینه سوم ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد. در همین راستا باید توجه داشت که احتمال ترجیح گزینه اول تنها پس از عبور سن از حدود ۴۰ سال به بالای ۴۰ درصد می‌رسد، این در حالی است که در بیشتر سنین، احتمال انتخاب گزینه سوم بالای ۴۰ درصد است و نشان از آن دارد که گزینه سوم به طور کلی نسبت به گزینه اول طرفداران بیشتری دارد.

در این باره اشاره به مطالعه پوتوارا و واگنر (۲۰۰۷) مفید است. همان‌طور که در بخش مبانی نظری گفته شد، نتایج مطالعه مذکور حاکی از آن است که افراد دارای سنین بالاتر، از تداوم سیستم سربازی اجباری حمایت می‌کنند؛ اما به‌رغم شباهت نسبی نتیجه مطالعه مذکور و نتیجه به دست آمده در این تحقیق، یک تفاوت مهم در علت بروز این نتیجه وجود دارد. در مطالعه پوتوارا و واگنر (۲۰۰۷)، منشأ مخالفت اقشاری که سربازی را پشت سر گذاشته‌اند (سن بالاتری دارند) با حذف سربازی اجباری، تحمل بار مالیاتی مضاعف بود. به این معنا که در صورت حذف سربازی اجباری و تأمین مخارج سیستم داوطلبانه از طریق مالیات، اقشار مذکور مجبور به پرداخت مالیات مضاعف خواهند شد (یک بار با انجام خدمت به شکل مالیات غیرپولی و یک بار با پرداخت مالیات پولی برای تأمین مالی سیستم داوطلبانه). اما رابطه مثبت سن با احتمال انتخاب گزینه اول و رابطه منفی آن با احتمال انتخاب گزینه دوم، نمی‌تواند ناشی از چنین پدیده‌ای باشد زیرا گزینه‌هایی که در مقابل تداوم سیستم فعلی قرار داده شده، سیاست فروش سربازی بوده است که مستلزم

اخذ مالیات بیشتر نیست. بنابراین نمی‌توان با انگیزه‌های پولی چنین نتیجه‌ای را توجیه کرد و باید از انگیزه‌های غیرپولی استفاده کرد به عنوان یک احتمال، این نتیجه می‌تواند ناشی از قوی‌تر بودن دیدگاه‌هایی مانند آنچه پیشتر عنوان شد (مبنی بر تعهد ملی دانستن سربازی) در میان افراد با سن‌های بالاتر باشد. در واقع به نظر می‌رسد گروه‌های سنی بالا، با احتمال بیشتری سیاست‌های محافظه‌کارانه و ادامه رویه‌های سنتی و تاریخی را به صلاح می‌دانند. اما نتیجه‌ای که با قطعیت از مدل قابل استنباط است اینکه افراد دارای سن‌های بالاتر، با احتمال بالاتری نسبت به تغییر رادیکالی سیاست فعلی سربازی به سمت فروش، واکنش منفی نشان خواهند داد. البته فروش هنگامی که به افزایش قابل توجه حقوق سربازان منجر شود، واکنش منفی کمتری به دنبال خواهد داشت.

نمودار ۱. احتمال انتخاب گزینه‌ها به ازای مقادیر مختلف سن



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

موضوع دیگری که باید بررسی شود، تأثیر دیدگاه افراد در خصوص برابری و تبعیض در انتخاب‌های آنان است. از دو پرسشی که برای این منظور پیش‌بینی شده بود، پاسخ‌های پرسش اول تأثیر معناداری بر انتخاب افراد ندارد، اما تأثیر پاسخ‌های پرسش دوم در مدل تأیید می‌شود. برای تسهیل در تفسیر مدل، ضرایب تصریح اصلی در قالب ارقام (Odd Ratio)  $(e^{\beta_j})$  در جدول ۴ ارائه شده است. همان‌طور که قبلاً گفته شد که پاسخ پرسش دوم به صورت طیفی از «کاملاً موافقم» (متناظر با عدد ۱) تا «کاملاً مخالفم» (متناظر با عدد ۵) بوده است. بزرگتر از یک بودن ضریب مربوط به پاسخ پرسش دوم در نتایج مدل

نشان می‌دهد افرادی که حساسیت بیشتری نسبت به تبعیض و نابرابری داشته‌اند، تمایل کمتری به انتخاب گزینه‌های دوم و سوم دارند، به صورتی که به ازای یک پله کاهش حساسیت، احتمال انتخاب گزینه دوم نسبت به احتمال گزینه اول  $1/2$  برابر و احتمال انتخاب گزینه سوم نسبت به احتمال انتخاب گزینه اول  $1/35$  برابر می‌شود که به معنای جذاب‌تر بودن گزینه سوم نسبت به گزینه دوم برای این دسته از افراد نیز هست.

تأثیرگذاری حساسیت نسبت به نابرابری و تبعیض بر ترجیحات افراد در مورد اجرای سیاست فروش سربازی، حاکی از این نتیجه مهم است که اجرای چنین اقداماتی موجب واکنش‌های منفی اجتماعی در میان بخشی از جامعه خواهد شد. به عبارت دیگر موجب ایجاد احساس تبعیض و بی‌عدالتی در میان بخشی از جامعه خواهد شد. بر این اساس در صورت تصمیم به پیاده‌سازی سیاست فروش سربازی، تمهید اقدامات تکمیلی به منظور یکسان‌تر کردن زمین بازی برای تمام افراد (تا حد امکان)، از جمله پیش‌نیازهای مهم این اقدام خواهد بود. به عنوان مثال یکی از موارد قابل ذکر برای اقدامات تکمیلی، فراهم شدن امکان تأمین مالی ارزان‌قیمت برای افرادی است که از موقعیت مالی مناسب برای خرید سربازی برخوردار نیستند. به عبارت دیگر افرادی که توان مالی برای این امر ندارند، اما ارزش فعلی درآمدهای آتی خود را برای این کار کافی می‌دانند، بتوانند از تسهیلات ارزان‌قیمت برای این منظور بهره‌مند شوند.

جدول ۴. ضرایب تصریح اصلی برحسب Odd Ratio

	متغیرها	Odd Ratio
گزینه دوم	Age	۰٫۹۲***
	Militarysit	۰٫۷۱***
	Income	۱٫۰۳
	Attitute1	۱٫۰۵
	Attitute2	۱٫۲۰*
	Constant	۱۷٫۴۰***

	متغیرها	Odd Ratio
گزینه سوم	Age	۰٫۹۵**
	Militarysit	۰٫۹۶
	Income	۰٫۹۲
	Attitute1	۱٫۱۹
	Attitute2	۱٫۳۵***
	Constant	۴٫۱۲*

علامت \* و \*\* و \*\*\* به ترتیب نشانگر معنادار بودن در سطح ۱۰ و ۵ و ۱ درصد است.  
مأخذ: همان.

آخرین متغیری که بر انتخاب افراد تأثیر معناداری داشته، وضعیت سربازی است. سطوح مختلف این متغیر عبارتند از «هنوز به سربازی نرفته‌ام» (متناظر با عدد ۱)، «از سربازی معاف شدم» (متناظر با عدد ۲)، «در حال گذراندن سربازی هستم» (متناظر با عدد ۳) و «سربازی را پشت سر گذاشته‌ام» (متناظر با عدد ۴) است. ضریب مربوط به این متغیر در طبقه دوم معنادار و کمتر از یک است؛ به این معنا که به ازای هر یک پله افزایش در این متغیر، احتمال انتخاب گزینه دوم نسبت به احتمال انتخاب گزینه اول ۷/۰ برابر می‌شود. این نتیجه قابل پیش‌بینی تأیید می‌کند افرادی که در حال گذراندن سربازی هستند یا سربازی را پشت سر گذاشته‌اند تمایل کمتری به گزینه فروش سربازی خواهند داشت و برعکس.

بر این اساس، نتایج مدل تأیید می‌کند که حتی در صورت فقدان انگیزه‌های مالی (مشابه آنچه در مورد تأثیرگذاری سن بر ترجیحات افراد بیان شد)، باز هم تمایل به تداوم سیستم فعلی در میان افرادی که به نوعی خدمت وظیفه عمومی را انجام داده‌اند، پررنگ‌تر از سایرین است. چنین ترجیحی می‌تواند ناشی از چند احتمال باشد؛ اولین احتمال اینکه این بخش از افراد با آگاهی از مزایای خدمت وظیفه عمومی برای فرد و جامعه (آگاهی به دلیل تجربه کردن سربازی)، از تداوم سیستم فعلی حمایت می‌کنند و احتمال دوم اینکه در غیاب انگیزه‌های مالی، به هم خوردن قواعد زمین بازی به نحوی که منافع احتمالی آن به طور کامل متوجه نسل‌های آتی باشد، برای این گروه از افراد آزاردهنده است. در

خصوص احتمال دوم، اشاره به یکی از نتایج مطالعه پوتوارا و واگنر (۲۰۰۷) مفید خواهد بود و آن اینکه انتقال از سیستم سربازی اجباری به هر سیستم دیگر، مستلزم تحمیل ضرر به حداقل یک نسل خواهد بود و در صورتی که هیچ نسلی حاضر به پذیرش این هزینه نباشد، تغییر این سیستم امکان پذیر نخواهد بود.

#### ۴. جمع بندی و نتیجه گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا گزینه های مختلف سیاستگذاری در زمینه خدمت وظیفه عمومی، با تمرکز بر فروش سربازی، از منظر ویژگی های افراد انتخاب کننده (به ویژه درآمد و دیدگاه افراد در خصوص برابری و تبعیض) ارزیابی شود تا به این وسیله تأثیرات اجتماعی اجرای هر یک از سیاست های مورد نظر تا حدودی تبیین شود. در تحلیل سیاست های بدیل سربازی داوطلبانه (حرفه ای) به دلیل مبهم بودن امکان پیاده سازی کامل آن در شرایط کنونی کشور (ناشی از پتانسیل محدود مالیات ستانی دولت) و نیز اثرات احتمالی بر افزایش مشکل شناسایی در مدل، در میان گزینه ها قرار نگرفت و از سوی دیگر فروش سربازی در دو حالت (فروش معمول و فروشی که به افزایش قابل توجه حقوق سربازان منجر شود) مورد توجه قرار گرفت. نتایج اجرای طرح پرسشنامه نشان داد حدود نیمی از پاسخ دهندگان، فروشی که به افزایش قابل توجه حقوق سربازان منجر شود را نسبت به ادامه وضعیت فعلی و فروش به شیوه معمول ترجیح می دهند. اما یکی از دغدغه هایی که همواره درباره فروش سربازی مطرح می شود، ایجاد نارضایتی در قشر کم درآمد است. بر این اساس تحلیل انتخاب افراد در گروه های مختلف درآمدی و با دیدگاه های متفاوت از اهداف اصلی این تحقیق بوده است. از این رو با استفاده از مدل لاجیت چند جمله ای به دنبال این مسئله بودیم که افرادی که درآمد کمتری دارند یا اهمیت بیشتری به برابری و عدم تبعیض می دهند، کدام گزینه ها را بیشتر انتخاب می کنند. نتایج مدل لاجیت چند جمله ای که بر مبنای ۴۴۰ پرسشنامه برآورد شد، حاکی از آن بود که الف) درآمد افراد تأثیر سیستماتیک روی ترجیح آنها در زمینه انتخاب سیاست فروش سربازی نمی گذارد. ب) سن رابطه مستقیمی با ترجیحات افراد در زمینه سربازی دارد. به این معنا که افزایش سن رابطه



مثبتی با احتمال ترجیح دادن ادامه وضعیت کنونی و رابطه منفی با احتمال ترجیح دادن سیاست فروش سربازی دارد. ج) حساسیت بیشتر نسبت به تبعیض و نابرابری دارای تأثیر منفی روی احتمال انتخاب گزینه‌های مربوط به فروش سربازی بوده است؛ د) برای افرادی که حساسیت پایین‌تری در این زمینه از خود نشان دادند، فروشی که به افزایش قابل توجه حقوق سربازان منجر شود جذاب‌تر از فروش به شیوه معمول بود و در نهایت خروجی مدل این نتیجه را تأیید می‌کند که افرادی که در حال گذراندن سربازی هستند یا سربازی را پشت سر گذاشته‌اند تمایل کمتری به گزینه فروش سربازی خواهند داشت.

## منابع و مآخذ

۱. زمانیان، مرتضی (۱۳۹۵). «تنظیم‌گری خدمت وظیفه عمومی»، گزارش کارشناسی، اندیشکده حکمرانی شریف.
۲. سبحانیان، سیدمحمدهادی، جعفر عبادی و محسن مهرآرا (۱۳۹۴). «شناسایی و ارزشگذاری عوامل مؤثر بر تصمیم شهروندان تهرانی جهت ورود به طرح پزشک خانواده»، تحقیقات اقتصادی، ش ۱۱۱.
۳. — (۱۳۹۵). «بررسی مؤلفه‌های اثرگذار بر تصمیم پزشکان عمومی جهت ورود به طرح پزشک خانواده؛ مطالعه موردی: شهر تهران»، تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ش ۲۶.
۴. سندل، مایکل (۱۳۹۶). عدالت، چه باید کرد؟، ترجمه افشین خاکباز، تهران، نشر نو.
5. Bauer, T. K., S. Bender, A. R. Paloyo and C. M. Schmidt (2012). "Evaluating the Labor-market Effects of Compulsory Military Service", *European Economic Review*, 56(4).
6. Cameron, A. Colin and Pravin K. Trivedi (2009). *Microeconometrics Using Stata*, A Stata Press Publication, College Station, Texas.
7. Fisher, A. C. (1969). "The Cost of the Draft and the Cost of Ending the Draft", *The American Economic Review*, 59(3).
8. Fize, E. and C. Louis-Sidois (2020). "Military Service and Political Behavior: Evidence from France", *European Economic Review*, 122.
9. Keller, K., P. Poutvaara and A. Wagener (2009). "Military Draft and Economic Growth in OECD Countries", *Defence and Peace Economics*, 20(5).
10. Lau, M. I., P. Poutvaara and A. Wagener (2004). "Dynamic Costs of the Draft", *German Economic Review*, 5(4).
11. Lee, D. R., and R. B. McKenzie (1992). "Reexamination of the Relative Efficiency of the Draft and the All-Volunteer Army", *Southern Economic Journal*, 58.
12. McFadden, D. (1973). "Conditional Logit Analysis of Qualitative Choice Behavior", In: Zarembka, P., Ed., *Frontiers in Econometrics*, Academic Press, New York.
13. Mulligan, C. B. and A. Shleifer (2004). "Conscription as Regulation", *NBER Working Paper*, No. 10558.

14. Poutvaara, P. and A. Wagener (2007). "To Draft or not to Draft? Inefficiency, Generational Incidence and Political Economy of Military Conscription", *European Journal of Political Economy*, 23(4).
15. Shigeoka, H. and K. Yamada (2019). "Income-comparison Attitudes in the United States and the United Kingdom: Evidence from Discrete-choice Experiments", *Journal of Economic Behavior and Organization*, 164.
16. Siu, H. E. (2008). "The Fiscal Role of Conscription in the US World War II Effort", *Journal of Monetary Economics*, 55(6).
17. Warner, J. T. and B. J. Asch (2001). The Record and Prospects of the All-volunteer Military in the United States, *Journal of Economic Perspectives*, 15(2).
18. <https://www.yjc.news/fa/news/5472310/>.
19. <https://www.yjc.news/fa/news/5154365/>.